



محمد قنبری طلب
کارشناس ارشد علوم تربیتی

پرورش در کلاس

خلاقیت،
بارش مغزی، تفکر
موازی، تلفیق
نامتجانس، ارتباط
اجباری، روش‌های
پرورش خلاقیت.



سرآغاز

با پیشرفت روزافزون دانش و فناوری و جریان گسترده اطلاعات، امروزه جامعه ما نیازمند آموزش مهارت‌هایی است که با کمک آن بتواند همگام با توسعه علم و فناوری به پیش برود. هدف، پرورش انسان‌هایی است که بتوانند با مغزی خلاق با مشکلات روبه‌رو شوند و به حل آن‌ها بپردازند؛ به گونه‌ای که انسان‌ها بتوانند به خوبی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و با بهره‌گیری از دانش جمعی و تولید افکار نو، مشکلات را از میان بردارند. امروزه مردم ما نیازمند آموزش خلاقیت هستند تا با خلق افکار نو، به سوی ایجاد جامعه‌ای سعادتمند قدم بردارند.

برای این که دانش‌آموزان به تفکر بپردازند، باید محیطی ایجاد شود که در آن به نظریات و اندیشه‌ها امکان بروز داده شود. بدون تردید یکی از شیوه‌های بسیار مهم و پرجاذبه پرورش شخصیت انسان‌ها و همین‌طور خلاقیت و نوآوری و حتی رشد اجتماعی، شرکت کردن در کارها و بحث‌های گروهی است و دانش‌آموزان از طریق مشارکت در این نوع فعالیت‌ها، می‌توانند توانایی‌های ذهنی خود را توسعه دهند.

امروزه مردم ما

نیازمند آموزش

خلاقیت هستند تا

با خلق افکار نو، به

سوی ایجاد جامعه‌ای

سعادتمند قدم

بردارند

روش‌های پرورش خلاقیت در گروه

۱. بارش مغزی

یکی از فنون متداول در ایجاد خلاقیت و فعال ساختن اندیشه‌ها به صورت گروهی، تکنیک تحرک مغزی است. در این تکنیک، مسئله‌ای به یک گروه کوچک ارائه و از آنان خواسته می‌شود فی‌البداهه و به سرعت، به آن واکنش نشان دهند و برای آن پاسخی بیابند. پاسخ‌ها روی تابلویی نوشته می‌شوند، به طوری که همه اعضای گروه می‌توانند آن‌ها را

بینند. این امر باعث می‌شود ذهن اعضا به فعالیت بیشتری بپردازد و جرقه‌ای از یک ذهن، ذهن دیگری را روشن کند. اولین دلیل اثربخشی تحرک مغزی، افزایش قدرت خلاقیت در گروه است. افراد در حالت گروهی بیش از حالت انفرادی قدرت تصور خلاق را بروز می‌دهند. رقابت نیز عامل دیگری است که در جلسات تحرک مغزی موجب افزایش اثربخشی می‌شود. هم‌چنین، عدم وجود انتقاد و ارزیابی‌های سریع باعث می‌شود اعضای گروه با

خلاقیت در



تفکر کردن جمع جهت دهد و با برنامه‌ای مشخص، آن را به سرانجام برساند. گویی هم‌چون کارگردان، تفکر گروه را هدایت می‌کند. با کلاه آبی، اولویت‌ها و محدودیت‌ها و موضوع و یا مشکل مورد بحث مشخص می‌شود.

در نخستین اقدام، همه اعضا باید کلاه سفید را بر سر بگذارند و در مورد موضوع بیان شده بیندیشند.

هر که کلاه سفید را بر سر می‌گذارد، نباید به آنچه که شامل الهامات، قضاوت‌های متکی به تجارب گذشته، عواطف، احساسات و عقاید است، توجه کند. تنها باید هم‌چون رایانه، فقط اطلاعات ارائه دهد. اطلاعات

به دست آمده از اعضای گروه را

که به واسطه تفکر با کلاه سفید

ارائه شده است، باید جمع‌بندی

کرد و اعضای گروه را وارد

مرحله بعد کرد تا با گذاشتن کلاه

قرمز بر سر، شروع به تفکر کنند.

حاضرانی که می‌خواهند با کلاه قرمز در مورد

موضوع مورد نظر تفکر کنند، باید به نکات زیر توجه کنند:

اجازه دهید احساسات و عواطف بیان شود و هر کس

بتواند از الهامات و دریافت‌های ناگهانی خویش سخن

گوید و دیگر نیازی به استدلال نباشد. اگر به احساسات

اجازه بروز ندهیم، بدون شک ناخواسته و بدون دقت نظر،

در تصمیم‌گیری‌ها وارد می‌شویم و چه بسا سبب بروز

مشکلاتی شوند.

پس از این که تمام نظرات اعضای گروه ارائه شد،

کلاه آبی تراوشات فکری حاضران را جمع‌بندی می‌کند.

آن‌گاه به مرحله بعد قدم می‌گذارد و اجازه می‌دهد اعضای

گروه کلاه سیاه بر سر بگذارند. با گذاشتن این کلاه، دیگر

نباید احساسات منفی بدون منطق بیان شوند، بلکه فرد باید

دیدگاه‌های منفی خود را در خصوص مشکل یا موضوع

مورد بحث، به صورت منطقی بیان کند. بدون شک، اگر از

این کلاه به خوبی استفاده شود، می‌توان از مخاطرات آینده

آگاه شد. تفکر منفی به گفته «دوبونو» جذاب است، زیرا

دستاوردهای آن را می‌توان به فوریت مشاهده کرد. اثبات

خطای دیگران برای ما رضایت در پی دارد و حمله کردن

به یک دیدگاه، به ما احساس برتری می‌بخشد و برعکس

ستودن نظرات، سبب می‌شود در خود احساس کنیم با

فرد برتری روبه‌رو شده‌ایم. فرد کلاه آبی نتایج بحث‌های

ارائه‌شده را جمع‌بندی و در نهایت ثبت می‌کند. این بار

فراغت خاطر به اظهار نظر بپردازند و محیطی مساعد برای خلاقیت ایجاد شود. نکته دیگری که در مؤثر بودن تحرک مغزی قابل ذکر است، فی‌البداهه بودن نظرات است.

۲. شش کلاه تفکر

ادوارد دوبونو، پدر تفکر خلاق، در کتاب «شش

کلاه تفکر» روش خلاقانه‌ای ارائه می‌کند و از طریق آن

می‌کوشد، نشست گروه به دور یکدیگر را به اقدامی

ثمربخش و کارا تبدیل کند. «دوبونو» به دانش‌آموزان

می‌آموزد دور هم جمع‌شوند و به تفکر خود نظم دهند.

آن‌گاه به راه‌های خلاقانه بیندیشند و با هماهنگی مدبرانه‌ای،

نتایج را طبقه‌بندی و اولویت‌بندی و در تصمیم‌گیری‌ها از

آن استفاده کنند. در این روش، مسئول نظم‌دهی، هدایت

و نتیجه‌گیری از جلسه، کلاه آبی بر سر خواهد گذاشت.

کسی که کلاه آبی را بر سر می‌گذارد، باید به موارد زیر

دقت کند:

- رنگ آبی نماد آسمان آبی رنگ است که چتر آن بر همه جا گسترده شده است و کسی که کلاه آبی بر سر خود می‌گذارد، باید بتواند افکار جاری در گروه را در ذهن خود به جریان درآورد و نظم و تمرکز دهد.
- کلاه آبی هم‌چون نرم‌افزاری است که می‌کوشد به

تهییج ذهنی یا

تکنیک گوردون،

روشی بسیار مناسب

به منظور یافتن

راه‌حل‌های جدید

برای مسئله و نیز

اکتشافات علمی و

فنی است



تفکر موازی نگاه

فرد را به نقاط جدید

معطوف می‌سازد و

اطلاعات و تجربه‌های

جدید صرفاً به

اندیشه‌های قبلی

افزوده نمی‌شود، بلکه

آن‌ها را تغییر می‌دهد

و الگو و ساختار

جدیدی ایجاد می‌کند

اجازه می‌دهد حاضران کلاه زرد را بر سر بگذارند و شروع به تفکر کنند. زرد نماد آفتاب است و آفتاب شروعی برای سازندگی، شادابی و خوش بینی. گویی هر جا سراغ از خورشید گرفته می‌شود، گرمی زندگی و زایشی دیگر در میان است و تفکر مثبت باید به همراه کنجکاوی و شادمانی و سرور و تلاش برای درست شدن کارها باشد. دانش آموز با گذاشتن کلاه زرد می‌کوشد به نکات ارزشمند و مثبت موضوع بنگرد. اصولاً افکار سازنده به مثبت‌گرایی تمایل پیدا می‌کنند. یکی از تمریناتی که دانش آموز با کلاه زرد می‌تواند انجام دهد، بهره‌گیری از تجربیات ارزشمند گذشته است. کلاه زرد در ابتدا درصد کشف فواید موجود در موضوع مورد بحث است و هر آن چه را می‌کاود، بیان می‌دارد.

اکنون بار دیگر نظرات به دست آمده از کلاه زرد جمع‌بندی می‌شوند. پس از آن دانش‌آموزان باید کلاه سبز را بر سر بگذارند. کلاه سبز، کلاه خلاقیت است. هنگامی که افراد کلاه سبز را بر سر می‌گذارند، باید به راه‌های نو بیندیشند که می‌تواند در آن موضوع مورد نظر اثرگذار باشد و به تصمیم‌گیری‌های خلاقانه منجر شود. هنگامی که دانش‌آموزان کلاه سبز را بر سر می‌گذارند، فرصتی می‌یابند تا به جست‌وجوی موضوعات کشف نشده هدایت شوند. حال فرصتی به اعضای گروه داده می‌شود تا ایده‌های نو ارائه دهند و آن‌گاه ایده‌ها را ثبت و نظرات را جمع‌بندی کنند. بدون شک برای خلاقانه اندیشیدن باید فرهنگ خلاقیت بر فضای گروه حاکم شود.

اکنون کسی که کلاه آبی بر سر گذاشته، باید به ارزیابی نتایج پردازش و به جمع‌بندی مناسب برسد. در نهایت هم در جهت حل مشکل یا پی‌گیری، تصمیم نهایی را بگیرد. بدون شک هریک از اعضا می‌توانند کلاه آبی را به امانت گیرند و با آن به تفکر پردازند و در اتخاذ تصمیمات به شخص کلاه آبی کمک کنند. هنگامی که جلسه گروهی این‌گونه مدیریت می‌شود، همه دانش‌آموزان مجبورند با شش کلاه مذکور تفکر کنند و اندیشه‌های ذهن خود را ارائه دهند.

۳. تلفیق نامتجانس‌ها

در سال ۱۹۶۱ م روان‌شناسی به نام گوردون، نتایج پژوهش‌های ده ساله خود در مورد افراد خلاق را منتشر کرد و ضمن آن اعلام داشت، ذهن آدمی به هنگام ابراز خلاقیت و ابتکار، در حالت روانی خاصی قرار دارد که

اگر بتوانیم آن حالت را ایجاد کنیم، خلاقیت امکان وجود می‌یابد. او در گروه‌های ایجاد خلاقیت، اعضای گروه را از طریق به کارگیری جریانی تمثیلی و استعاره‌ای، به گردشی تخیلی ترغیب می‌کرد و در این حالت، ایده‌ها و نظرات بدیعی را کشف می‌کرد. ذهن افراد در این گردش خیالی به دستاویز استعاره‌ها، به نکاتی نو که هدف جلسه خلاقیت بود، می‌رسید و روابط تازه‌ای را بین پدیده‌ها پیدا می‌کرد. آنان پدیده‌هایی را که چندان نتجانسی با هم نداشتند، تلفیق و ترکیب می‌کردند و به ایده‌های جدید دست می‌یافتند. در جلسات خلاقیت، به کمک استعاره و تخیل، کار تلفیق و ترکیب در ذهن افراد انجام می‌گرفت. از این روش گوردون را شیوه تلفیق نامتجانس‌ها نیز نامیده‌اند. یکی از مفیدترین راه‌های رشد قوه خلاقیت، شیوه تلفیق نامتجانس‌هاست که سعی دارد عناصر متفاوت و بی‌ربط را با هم تلفیق کند تا از این رهگذر راه‌حل‌های تازه‌ای برای مشکل بیابد.

تهییج ذهنی یا تکنیک گوردون، روشی بسیار مناسب به منظور یافتن راه‌حل‌های جدید برای مسئله و نیز اکتشافات علمی و فنی است. این روش فرایندی خاص و منحصر به فرد و در عین حال مؤثر دارد. فرایند به کارگیری این رویکرد، عبارت است از:

- شناسایی و تجزیه و تحلیل مشکل به منظور رسیدن به ماهیت جوهره آن
 - کشف راه‌حل‌هایی برای آن جوهره از طریق دیدگاه غیر مرتبط با موضوع
 - تلاش برای تبدیل راه‌حل‌های به دست آمده به راه‌حل نهایی.
- در گروه‌هایی که از این روش استفاده می‌شود، فقط رهبر گروه از اصل موضوع اطلاع دارد و موضوعی که مطرح می‌شود، دقیقاً اصل موضوع نیست، بلکه موضوعی نزدیک به آن است.

۴. تفکر موازی

این شیوه را ادوارد دوبونو مطرح کرد. دوبونو روش معمول تفکر را به حفر گودالی تشبیه می‌کند که فرد با افزایش اطلاعات، آن گودال را عمیق‌تر می‌سازد و از دیدن جاهای دیگر برای حفر کردن باز می‌ماند. تفکر موازی نگاه فرد را به نقاط جدید معطوف می‌سازد و اطلاعات و تجربه‌های جدید صرفاً به اندیشه‌های قبلی افزوده نمی‌شود، بلکه آن‌ها را تغییر می‌دهد و الگو و ساختار جدیدی ایجاد می‌کند.



تکم کتاب الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران

نویسنده: دکتر خسرو باقری

ناشر: انتشارات مدرسه تالش ناشر: ۰۲۱-۸۸۸۰۰۳۲۴

زهرا آرامون

چاپ: ۱۳۸۹ قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

نویسنده کتاب معتقد است «آموزش و پرورش، حیات فردی و اجتماعی کودک را شکل می‌دهد، اما از سوی دیگر، پیش از آن، خود محتاج داشتن شکل و محتوا یا الگویی مطلوب است. این پرسش که آموزش و پرورش در جامعه ما دارای چه الگویی است یا باید از چه الگویی برخوردار باشد، هم‌چنان پرسش زنده و پایداری است. زیرا تا جایی هم که به الگوی وضع موجود مربوط می‌شود، جای تردید است که الگوی از پیش خواسته و اندیشیده‌ای در آن موجود باشد. تا جایی هم که به الگوی مطلوب مربوط می‌شود، باب آن باز است و در گیرودار بحث و گفت‌وگوست...»

این کتاب در شش فصل تدوین شده است که عبارت‌اند از:
فصل اول، دورنمایی از مسئله؛ فصل دوم، بررسی انتقادی نظریه‌ها و الگوهای یادگیری و آموزش؛ فصل سوم، طرحواره‌ای از مبانی نظری پژوهش؛ فصل چهارم، الگوی مطلوب یادگیری؛ فصل پنجم، الگوی مطلوب آموزش؛ فصل ششم، نتیجه‌گیری و پیشنهاد.



یکی از راه‌های تحقق تفکر موازی، ایجاد اندیشه و واسطه به ظاهر غیرممکن است. این اندیشه، موجب شکوفایی فکر و ذهن می‌شود و با تعدیل آن می‌توان به اندیشه نو و عملی دست یافت. راه دیگر در تفکر موازی، پیوند تصادفی است. فرض کنید کتاب فرهنگ لغت را می‌گشایید و لغاتی را می‌خوانید و می‌کشید آن را با موضوع مورد نظر پیوند دهید و به نتیجه‌ای برسید. در این کار، شما از روش پیوند تصادفی استفاده کرده‌اید.

۵. ارتباط اجباری

یکی دیگر از شیوه‌های آشکار ساختن خلاقیت‌ها و ظاهر ساختن توانایی‌های آفرینندگی موجود در دانش‌آموزان، ارتباط اجباری است. در این شیوه، همان‌طور که از نام آن استفاده می‌شود، باید بین دو گروه از پدیده‌ها، ارتباطی اجباری ایجاد کرد.

نتیجه‌گیری

گسترش و سرعت تغییرات در سراسر جهان باعث شده که خلاقیت بیش از پیش اهمیت یابد. کشورها فقط با ابتکار و نوآوری می‌توانند خود را با شرایط جدید وفق دهند و همگام با دگرگونی‌ها پیش روند. بدیهی است در دنیای پیچیده کنونی، کسانی در رقابت با سایرین موفق‌ترند که بتوانند از فرصت‌های پیش‌رو، به بهترین نحو استفاده کنند و این امر جز با افزایش خلاقیت و نوآوری امکان‌پذیر نیست. بین راهکارهای ایجاد و افزایش خلاقیت، ایجاد گروه‌های کاری و حمایت متقابل اعضای گروه و نیز ترکیب اندیشه‌های متفاوت، می‌تواند اشتیاق افراد را به کار و دستیابی به هدف افزایش دهد و در نتیجه تجربیات و مهارت‌های تفکر خلاق را ارتقا بخشد.

- منابع
۱. آمایل، تراز (۱۹۸۹). خلاقیت را چگونه از بین ببریم. ترجمه حسین حسینیان زرنقی (۱۳۷۹). مجله تدبیر. شماره ۱۰۳.
 ۲. حسینی، افضل‌السادات (۱۳۸۴). ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن. آستان قدس رضوی. تهران.
 ۳. دراگر، پیتر (۱۹۹۱). رشته‌های علمی به نام خلاقیت. ترجمه صالح واحدی (۱۳۷۳). مجله تدبیر شماره ۲۸.
 ۴. دوبونو، ادوارد (۱۹۹۲). خلاقیت جدی. ترجمه قاسم بصیری و مرتضی غفاری‌پور (۱۳۸۲). نشر آیت. تهران.
 ۵. ساتون، روبرت (۲۰۰۱). قواعد ناجور خلاقیت. ترجمه مریم شریفیان ثانی (۱۳۸۰). مجله گزیده مدیریت. شماره ۶۱.
 ۶. سلیمانی، افشین (۱۳۸۱). کلاس خلاقیت. انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران. تهران.